

بررسی ضرورت کاهش عناوین کیفری در حقوق ایران و نقش عوامل فرهنگی در آن

مالک طرلانی مغانلو^۱

تاریخ پذیرش: ۳۰ آبان ۱۴۰۱

تاریخ دریافت: ۳۰ شهریور ۱۴۰۱

چکیده

نقش آگاهی بخش فرهنگ که می‌تواند زمینه‌های مساعد جهل به قواعد و مقررات حقوقی را از بین ببرد، از اساس به عنوان ابزاری برای آگاهی بخشی یا یکی از منابع و مقدمه‌های واجب پیشگیری از جرم در جامعه مطرح شود. نقش دیگری که برای فرهنگ و تأثیر آن بر حوزه حقوقی می‌توان قائل شد نقش هنجارساز فرهنگ است. قوانین کیفری کشور ما در دو دهه اخیر سخت متورم گشته است. مجموعه قوانین کیفری بی‌توجه به داده‌ها و یافته‌های وثیق جرم‌شناسی، بی‌رویه قطور شده است. مطالعه حاضر با هدف بررسی عوامل فرهنگی و ضرورت کاهش عناوین کیفری در حقوق ایران طراحی و تدوین شد. تحقیق حاضر از نوع مطالعات کیفی از نوع توصیفی-تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات کتابخانه است. تجزیه و تحلیل اطلاعات به صورت توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است. نتایج بررسی نشان داد که قوه مقننه می‌تواند با وضع و تصویب قوانین شفاف و صریح بر کاهش عناوین کیفری همت گذارد. همچنین نتایج بررسی نشان داد که در قانون اساسی تنها به تعبیر اقدام مناسب جهت پیشگیری از وقوع جرم اکتفاء شده است بدون اینکه سازوکارها و ابزارهای اقدام مناسب پیش‌بینی شده باشد و قلمرو اختیارات و وظایف قوه قضائیه در این خصوص نیز احصاء و تعیین نشده است، لذا دایره و گستره «اقدام مناسب» باید تبیین شده تا امر پیشگیری نیز در چهارچوب قواعد این گستره به مرحله اجرا گذارده شود. در کل نتایج بررسی نشان داد که عوامل فرهنگی و آگاه‌سازی افراد جامعه از ابعاد جرم و عواقب آن می‌تواند در عدم وقوع جرم تأثیر مثبتی داشته باشد.

کلمات کلیدی: عناوین کیفری، تورم کیفری، عوامل فرهنگی

^۱ کارشناسی ارشد حقوق گرایش جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات اردبیل، ایران.

۱- مقدمه

یکی از مهم ترین مسائل سیستم های حقوقی در جهان امروز به ویژه جامعه کنونی ایران، مشکل تورم عناوین کیفری است که باعث فزونی جرایم در قانون مدون کیفری می شود، و باعث قطور شدن مجموعه قوانین جزایی می گردد. منظور از تورم کیفری، تصویب بدون ضرورت مقررات کیفری و قطور نمودن بی رویه مجموعه قوانین جزایی با جرم انگاری های جدید است. اگر چه در حال حاضر، کشور ما سخت با بحران تورم کیفری روبروست، اما این پدیده تازگی نداشته و اختصاص به زمان ما و کشور ایران ندارد. «منتسکیو»^۱ در نیمه اول قرن هجدهم، و نیز برخی از نویسندگان مانند «بوزا»^۲ و «پیناتل»^۳ قبل از جنگ جهانی دوم به این مسأله اشاره کرده اند. تورم عناوین کیفری، هر روز پیچیده تر و وسیع تر گشته و موجب سردرگمی قضات، مجریان و افراد جامعه می گردد. هر روز یا هر هفته با تصویب قوانین جدید، یا جرایم جدید پیش بینی می شود و یا اینکه دامنه عناوین مجرمانه موجود، وسعت می باید (حبیب زاده و همکاران، ۱۳۸۰).

انسان به حکم فطرت خویش، مایل به آزادی و رهایی از محدودیت است، در حالی که دولت اصرار دارد که مردم به اجرای مقررات و قوانین، وادار گردند. اگر مقررات کیفری قابلیت انطباق با فطرت بشر و نیازهای او را نداشته باشد و بالعکس با حقوق فطری و طبیعی فرد در تضاد باشد، همواره به زیان مردم خواهد بود؛ زیرا مردم یا مجبورند محدودیت هایی را پذیرا شوند یا با آن مقابله کنند. پذیرا شدن آن موجب از دست دادن آزادی و مقابله با آن موجب تحمّل مجازات هایی می شود. هر گاه دولت، این حلقه محاصر (تحدید آزادی) را تنگ تر کند، بیشتر موجب اعتراض مردم می گردد و نتیجه هر چه باشد؛ بر ضرر حکومت و جامعه است. اصولاً اگر به جای بررسی اعمال ناپهنجار و مبارزه مدبرانه و منطقی علیه آنها، نظرها به تدوین و وضع قوانین کیفری جلب شود، جز افزایش حجم مجموعه قوانین جزایی، طولانی کردن سیاهه جرایم، انباشتن زندان ها از افراد، نابود کردن انسان ها، بی خانمان کردن خانواده ها، ایجاد هزینه های سنگین برای اجتماع، نابود ساختن نیروهای فعال، به خشونت واداشتن مردم، بی اعتنا بار آوردن افراد اجتماع و گسترش بی عدالتی، نتیجه ای در بر نخواهد داشت. (مظلومان، ۱۳۵۶)

بزهکار و عمل بزهکارانه وی محصول محیط اجتماعی اوست و یا این که بیماری هایی جسم او را احاطه کرده است. جرم بر خلاف تصور برخی، مفهومی کاملاً غامض و مناقشه آمیز دارد خصوصاً در کشوری مثل ایران که آستان تحولات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی سریع و گسترده ای است که البته این امر به طور ناخواسته کمیت و کیفیت قانونگذاری را نیز تحت الشعاع خود قرار می دهد، بنابراین قواعد حقوقی و قوانین باید همچون آئینه ارزش های حقیقی جامعه را منعکس نمایند در غیر این صورت جز خاصیت «جرم زایی» و زدودن اهمیت اخلاقی رفتارها از اذهان عمومی، ارمانی برای جامعه نخواهد داشت، قانونگذار هنگامی

1. Montosqieu

2. Bouzat

3. Pinatel

که در مقام مقابله با یک پدیده ضد اجتماعی بر می آید می بایست ابتدائاً علت العلل آن را شناسایی کرده و به از بین بردن این علت ها بپردازد چرا که تا علت وجود دارد، مبارزه با معلول نتیجه ای نخواهد داشت. (ظفری، ۱۳۸۷).

متأسفانه در قوانین کیفری ایران در هنگام قانونگذاری معلولات را مد نظر قرار داده و در مواجهه با هر پدیده اجتماعی که محل نظم و امنیت جامعه است، ساده ترین طریق یعنی توسل به ابزار کیفری را اتخاذ نموده است لذا در حال حاضر با موضوع تورم کیفری و تکثیر عناوین کیفری مواجه شده ایم بدون در نظر گرفتن علل و عوامل آنها و بدون کنکاش برای یافتن راهکارهای مناسب برای مقابله با علل و عوامل. در طی سال های گذشته همواره قانونگذار ایرانی افعال یا ترک افعال را جرم تلقی و مشمول مجازات قرار داده و به ندرت از عناوین جزایی جرم زدایی کرده است، برخی از عناوین مجرمانه، که در حال حاضر در قوانین دیده می شود، بعضاً موضوعیت ندارند یا منطبق با مقتضیات زمان و شرایط مکانی نیستند لذا موضوع مبارزه با عوامل جرم و پیشگیری از آن و کاهش عناوین کیفری با اعمال مجازات و کیفر تحقق نمی یابد و ابزار کیفری باید در مواضعی به کار گرفته شود که سایر طرق ممکن یا موثر نیست. (علی آبادی، ۱۳۷۸).

اگر بپذیریم فرهنگ از طرفی در تعالی حقوق تأثیرگذار و بالعکس حقوق هم در تعالی فرهنگ مؤثر است، شاید بتوان گفت که در نقش اول یعنی زمانی که فرهنگ میتواند در تعالی حقوق مؤثر باشد، محورهایی را برای این تأثیرگذاری تصور کنیم. برای مثال نقش آگاهی بخش فرهنگ که می تواند زمینه های مساعد جهل به قواعد و مقررات حقوقی را از بین ببرد، از اساس به عنوان ابزاری برای آگاهی بخشی یا یکی از منابع و مقدمه های واجب پیشگیری از جرم در جامعه مطرح شود. نقش دیگری که برای فرهنگ و تأثیر آن بر حوزه حقوقی می توان قائل شد نقش هنجارساز فرهنگ است. هنجارسازی جامعه از راه فرهنگ یکی از کارهایی است که می تواند به پیشگیری از وقوع جرم کمک کند. محور دیگری که فرهنگ میتواند در آن مؤثر باشد، نقش بسترساز فرهنگ است که فرهنگ میتواند به عنوان بستری مناسب به منظور توسعه هنجارهای حقوقی یا مسائل مربوط به پیشگیری مطرح شود. نقش نهادساز فرهنگ امری انکارناپذیر است. از بعد دیگر، نقش آسیب شناسانه فرهنگ نیز می تواند در برخورد با مسائل و معضلات اجتماعی زمینه های فرهنگی جرم به ما کمک کند. اگر با ابزار فرهنگ دست به آسیب شناسی اجتماعی بزنیم طبیعتاً می تواند به ما کمک کند تا برخی راهکارها را بشناسیم و در راستای پیشگیری از جرم استفاده کنیم.

با توجه به اهداف تحقیق سئوالات زیر مطرح می شود:

سؤال کلی:

ضرورت کاهش عناوین کیفری در حقوق جزای ایران و راهکارهای مؤثر در آن چیست؟

سئوالات فرعی:

۱. با توجه به ضرورت کاهش عناوین کیفری در حقوق جزای ایران، نقش قوه قضائیه در این راستا چگونه می باشد؟

۲. با توجه به ضرورت کاهش عناوین کیفری در حقوق جزای ایران، نقش قوه مقننه در این راستا چگونه می باشد؟

۳. عوامل فرهنگی چگونه بر کاهش عناوین کیفری حقوق جزای ایران تاثیر می گذارد؟

۲- روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع مطالعات کتابخانه‌ای- اسنادی است. روش گردآوری اطلاعات با توجه به نوع تحقیق با مراجعه به منابع و مأخذ علمی شامل کتاب، مجله‌ها و نشریات ادواری موجود در کتابخانه‌ها و همچنین سراچه‌های اینترنتی حاوی تحقیقات و مقالات علمی معتبر اطلاعات مورد نیاز تحقیق گردآوری شد همچنین ابزار گردآوری اطلاعات بر اساس روش تحقیق کتابخانه‌ای، برای جمع‌آوری اطلاعات بعد از مأخذ شناسی و گردآوری منابع، از ابزارهای فیش و برگه‌های مربوط به نکته برداری استفاده خواهد شد. بدین صورت که بعد از مأخذ یابی کتب، مجلات و اسناد مربوط به موضوع، فهرست موقت از مطالب مورد نیاز را تهیه و سپس با آماده‌سازی فیش‌ها، مرحله فیش‌برداری شروع و مطالب با استفاده از تکنیک مأخذ گذاری به روش علمی تنظیم شد.

۳- معنای جرم از دیدگاه فرهنگ اجتماعی

نظریه پردازان واکنش اجتماعی، فرایند جرم انگاری اعمال را بخشی از فرآیند کلی تعریف و سرکوب‌گروری در جامعه تلقی می‌کنند. از دیدگاه جامعه‌شناسی جرم پدیده‌ای است ضداجتماعی که موجب اختلال در نظم و امنیت جامعه و کشور می‌شود و حفظ حقوق جامعه در قبال تجاوز و درعین حال پاسداری از حقوق فردی وظیفه حقوق جزا و قانون می‌باشد؛ اما در قانون مجازات اسلامی هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می‌شود. تعیین جرم و تعقیب و کیفر بزهکاران در انحصار دولت است نه اشخاص خصوصی و لذا اجرای قواعد حقوقی جزایی با محاکم دادگستری است (شجاعی، ۱۳۸۰).

۴- معنای جرم از دیدگاه حکومتی

کارگزاران عدالت کیفری، به بخشی از گستره خیلی وسیعی از سازوکارهای واکنش اجتماعی از جمله رفاه، سلامت روانی، آموزش و پرورش، رسانه‌های گروهی‌اند که حکومت از تمامی آن‌ها به منظور کنترل جمعیت‌های مشکل‌ساز استفاده می‌کند (شجاعی، ۱۳۸۰).

به هر حال قلمرو جرم در جرم‌شناسی با قلمرو جرم در حقوق جزا متفاوت است برای جرم‌شناس نه تنها جرائم قانونی که بلکه اعمال ضداجتماعی نیز می‌توانند جرم به معنای رفتار ضد اجتماعی باشند که هرچند برای آن‌ها

کیفری در نظر گرفته نشود بکار بردن اصطلاحات تا حدی مترادف «جرم» و «عمل ضد اجتماعی» در جرم‌شناسی نیز مؤید این امر است که قلمرو جرم‌شناسی بسیار وسیع‌تر از حقوق جزا است به عبارت دیگر در جرم‌شناسی «حالت خطرناک» و یا «ضداجتماعی» فرد صرف‌نظر از قانونی بودن جرم از اهمیت بسیاری برخوردار است (نوربها، ۱۳۸۶).

۵- تقسیمات کلی جرم

۱- جرم کیفری: جرم کیفری به معنای عام، عبارت است از هر فعلی که به موجب قوانین کیفری انجام دادن و یا ترک آن با مجازات مقرر توأم باشد؛ مانند قتل، کلاه‌برداری، سرقت و غیره از حیث عنصر قانونی جرم کیفری بنا به اصل قانونی بودن جرائم، فعل خاصی است که در قانون تصریح شده است؛ و از حیث عنصر مادی جرم کیفری ممکن است مستقل از زیان و خسارت‌های مادی تحقق یابد (اردبیلی، ۱۳۸۶).

۲- جرم مدنی: به فعلی اطلاق می‌شود که من غیر حق، زیانی به دیگری وارد و فاعل را به جبران آن ملتزم کند و ممکن است نص خاصی در قانون نداشته باشد مثل ماده ۳۲۸ قانون مدنی: «هر کس مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد اعم از اینکه از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از اینکه عین باشد یا منفعت و اگر آن را ناقص یا معیوب کند ضامن نقص قیمت آن مال است.» (اردبیلی، ۱۳۸۶).

جرم انتظامی: تخلف انتظامی عبارت است از نقض مقررات صنفی یا گروهی که اشخاص به تبع عضویت در گروه آن را پذیرفته‌اند. در واقع، جامعه کوچکی مانند کانون‌های صنفی و کلا، سردفتران، پزشکان و... مانند جامعه بزرگ متکی به اصول و مقرراتی است که حافظ نظم و بقای گروه یا اتحادیه صنفی و حرفه‌ای است (اردبیلی، ۱۳۸۶).

۶- جرم از دیدگاه جامعه‌شناسی و فرهنگی

دورکیم، جامعه‌شناس فرانسوی، معتقد است که جرم تا حدی یک پدیده طبیعی برای تمام جوامع است، در تمام زمان‌ها وجود داشته و از فرهنگ و تمدن هر جامعه ناشی می‌شود.

دورکیم علل بروز جرایم را در محیط اجتماعی، مورد مطالعه قرار داده و معتقد است که جرم یک پدیده عادی اجتماعی است و نباید یک پدیده غیرعادی اجتماعی تلقی گردد. در هر اجتماعی، بزه کاری وجود دارد و جامعه‌ای نیست که در آن، بزه وجود نداشته باشد. بزه یک عامل سلامتی عمومی و جزء لاینفک هر اجتماع سالم است و علل استثنایی در نوع جرایم تأثیری ندارند. چون جرایم، ناشی از فرهنگ و تمدن هر اجتماع است، لذا بررسی انواع جرایم بدون توجه به خصوصیات فرهنگی و تمدن از دیدگاه جرم‌شناسی بی‌ثمر است؛ زیرا جرم مربوط به فرهنگ و تمدن بوده و تابع زمان و مکان نمی‌باشد (برهام، ۱۳۶۹).

"مطالعات انجام شده در تمام کشورهای جهان - علی‌رغم اختلافات فرهنگی و اقتصادی - بیانگر این مطلب است که اکثر بزه کاران افرادی متعلق به خانواده‌های مستضعف (مادی و معنوی) بوده که فقر فرهنگی،

سستی اعتقادات مذهبی، بی قید و بند بودن از جهات اخلاقی، تغذیه و مسکن نامناسب و بی کاری از صفات آنان نسبت به خانواده هایی است که تعداد بزه کاران در آن ها کم تر است." - محیط شغل: همان گونه که داشتن یک محیط خانواده شخصی هماهنگ و آرام و مورد وفاق یا به عکس متشنج و ناآرام به وجود می آورد، به طور مستقیم، در پدید آوردن اعمال و رفتار مورد قبول و مورد انتظار یا خلاف انتظار و جرایم مؤثر است. شغلی را که فرد برای تأمین معیشت و گذران خرج زندگی خود انتخاب می کند، اگر بر اساس خواست و رضایت قلبی اش نباشد، سبب نگرانی او شده، زمینه را برای ارتکاب اعمال خلاف و جرایم در او آماده می کند. محیطی را که شخص در آن به انجام کار مشغول می شود و در کنش با افراد مختلف قرار می گیرد از ناحیه خرده فرهنگ ها و ارزش ها و باورهای افراد متأثر می شود؛ مثلاً، کارکنان در غذاخوری ها به سبب سر و کار داشتن با طبقات و اقشار گوناگون اجتماع، از جمله بزه کاران، بیش از دیگران در معرض ارتکاب جرایم قرار می گیرند و به آن آلوده می شوند(نجفی، ۱۳۷۷).

وقوع جرم و گسترش اعمال مجرمانه، جوامع بشری را با بحرانهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی روبرو می سازد.

هرچقدر میزان هزینه های بخش آموزش در جامعه بالا باشد، سطح سواد افراد در جامعه افزایش یافته که این خود موجب افزایش آگاهی و فرهنگ در جامعه شده و در نتیجه باعث کاهش رغبت افراد به سمت ارتکاب جرم خواهد شد(حکمتی و همکاران، ۱۳۹۷).

فاصله زیاد طبقاتی احساس فقر را در افراد ایجاد می کند. البته این موضوع به ساختار فرهنگی جوامع نیز ارتباط دارد. در جوامعی بسته که چشم‌همچشمی در بین شهروندان بال است، افراد به شدت تمایل به داشتن همه امکاناتی دارند که افراد مرفه آن جامعه از آن برخوردار هستند. این تمایل با تأثیرات روانی، زمینه های ارتکاب جرم را افزایش می دهد(حکمتی و همکاران، ۱۳۹۷).

وقوع جرم متأثر از پیش زمینه های متعددی است. زنجیرهای از علل در کنار هم قرار می گیرند که منتهی به وقوع جرم می شوند(شاه جهان پور، ۱۳۹۶).

برخی از نویسندگان، خانواده، فرهنگ، مذهب، اجتماع و مدرسه را پنج ستون حمایت کننده فرد دانسته اند و معتقدند کشور هایی که تناسب صحیحی بین این پنج ستون حمایت کننده برقرار ساخته اند، فضایی برای رهبری قوی ایجاد کرده، زندگی باکیفیت و موفقیت اقتصادی دارند.

رسانه های گروهی به شیوه های مختلفی می توانند در پیشگیری از جرم و بزه موازات آن ارتقای دانش حقوقی جامعه مؤثر می باشند که مهم ترین موارد این گونه شیوه ها عبارتند از:

- ۱- پیشگیری از بزهکاری از طریق آموزش عمومی؛
- ۲- پیشگیری از بزهکاری از طریق انعکاس صحیح اخبار در جرایم؛
- ۳- پیشگیری از بزهکاری از طریق انعکاس صحیح عوامل مختلف حقوقی، قضایی و اجتماعی منجر به جرم؛

- ۴- پیشگیری از بزهکاری از طریق اصلاح و بهبود محتوای برنامه های نمایشی؛
 ۵- پیشگیری از بزهکاری از طریق افشای جرایم ملی.

۷- معنای اصطلاحی و مفهومی تورم عناوین کیفری

منتسکیو نخستین کسی است که در سال ۱۷۴۸ میلادی با انتشار کتاب «روح القوانين» به تورم کیفری اشاره داشته و آن را موجب بی‌اعتمادی مردم نسبت به هیأت حاکمه دانسته است. از دانشمندان معاصر نیز، بوزا و پیناتل از حقوقدانان مشهور فرانسوی هستند که قبل از جنگ جهانی دوم به این مهم پرداخته‌اند. اخیراً «ریموندگسن^۱» استاد فرانسوی در آثار جرم‌شناسی خود به این موضوع اشاره کرده و آن را خطری برای جامعه دانسته است (گسن، ترجمه نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۱).

حبیب زاده (۱۳۸۰) تورم کیفری را چنین تعریف می‌کند: تصویب بدون ضرورت مقررات کیفری و قطور کردن بی‌حد و حصر مجموعه قوانین کیفری و جرم‌انگاری‌های غیر ضرور است که در عمل، موجب سردرگمی شهروندان و حتی قضات و مجریان عدالت کیفری می‌گردد. از این رو تورم عناوین کیفری، نوعی جرم انگاری متعدد قانون‌گذار است به گونه‌ای که افزایش بی‌رویه آن موجب عدم کارایی آن گردد. در واقع گسترش وسیع عناوین مجرمانه را تورم کیفری گویند (حبیب زاده، ۱۳۸۰).

۸- جرم انگاری از دیدگاه مکاتب حقوق کیفری

در این قسمت از بحث، به مطالبی در خصوص جرم انگاری از دیدگاه مکاتب حقوق کیفری در قالب، مکتب فایده اجتماعی، مکتب عدالت مطلق، مکتب کلاسیک، مکتب تحقیقی، مکتب دفاع، مکتب نئوکلاسیک و مکتب نئوکلاسیک اشاره خواهد شد.

۸-۱- مکتب فایده اجتماعی: هنگامی که انتقام خصوصی به تعدیل نسبی و سپس به تعدیل کلی تغییر شکل می‌دهد و به انتقام اجتماعی تبدیل می‌گردد. با یورش‌هایی که بر این طرز تفکر وارد می‌آید انتقام کلمه‌ای نارسا و ناموزون جلوه می‌کند و برای مجازات محاسبه فایده منظور می‌شود لذا فایده اجتماعی اساس مکتبی می‌گردد به عنوان مکتب فایده اجتماعی، از طرفداران مکتب فایده اجتماعی می‌توان به روسو و بکاریا اشاره کرد؛ روسو معتقد بود انسان آزاد است اما چون در اجتماع زندگی می‌کند اختیار خود را به جامعه می‌دهد و جامعه نیز در مجازات او باید فایده اجتماعی را مدنظر قرار داشته باشد و فرد را برای کار خیر آماده سازد.

¹. Raymond Gassin

بکار یا در اندیشه‌ها خود ضروری بودن مجازات، تقنینی بودن و قاطعیت مجازات برای رسیدن به فایده اجتماعی مجازات را در نظر داشت (صلاحی، ۱۳۸۶).

۸-۲- مکتب عدالت مطلق: به مجازات بیش از مجرم اهمیت می‌دهد، در واقع به شناخت مجازات و فایده آن می‌اندیشد یکی از طرفداران این مکتب کانت می‌باشد که معتقد است عدالت و اخلاق ایجاب می‌کند که بزهکار کیفر داده شود. (نوربها، ۱۳۸۶)

۸-۳- مکتب کلاسیک: تلاش این مکتب برای یافتن راهی است که اخلاق و عدالت را از طرفی با فایده زا بودن مجازات برای اجتماع و از طرف دیگر با پیشگیری از تکرار جرم و عدم سخت‌گیری نسبت به مجرم سازش دهد، طرفداران این مکتب معتقدند «اراده مختار» در مقابل جبر قرار می‌گیرد در واقع در صورت پذیرش اراده آزاد باید حدود مسئولیت اخلاقی را شناخت و نسبت به آن تعیین کیفر کرد (نوربها، ۱۳۸۶).

۸-۴- مکتب تحقیقی: جبری بودن پدیده بزهکاری و عدم اراده آزاد در مکتب تحقیقی مورد پذیرش قرار گرفته است طرفداران این مکتب معتقدند که به دلیل عدم مسئولیت اخلاقی بزهکار همانند «عروسک خیمه شب بازی» است طرفداران این مکتب پیشنهاد می‌کنند به دلیل حالت خطرناک باید در مورد آن‌ها اقدامات تأمینی به کار رود. (نوربها، ۱۳۸۶)

۸-۵- مکتب دفاع: مکتب دفاع به ۶ صورت به وجود آمد: ۱- مکتب اثباتی انتقادی؛ ۲- مکتب اصالت عمل کیفری ۳- دفاع اجتماعی ترکیبی ۴- مکتب نفی حقوق جزا ۵- مکتب دفاع اجتماعی جدید ۶- مکتب دفاع اجتماعی بر مبنای عدالت ترمیمی (نوربها، ۱۳۸۶)

۸-۶- مکتب نئوکلاسیک: نئوکلاسیک‌ها در پی اصلاح و تکمیل مکتب کلاسیک بودند و در واقع معتقد بودند به جای طرد اصول مکتب کلاسیک باید در پی اصلاح آن‌ها بود.

۸-۷- مکتب نئوکلاسیک جدید: طرفداران این مکتب می‌گویند این واقعیت را باید بپذیریم که مجازات بایستی مبتنی بر اصل اختیار مسئولیت باشد و این همان اصلی است که مکتب کلاسیک هم بدان معتقد است منتهی به نظر ما اصل باید با در نظر گرفتن شخصیت و اعمال روانی مجرم اعمال و احراز شود، معتقدان این مکتب برخلاف طرفداران مکتب دفاع اجتماعی می‌گویند مجازات باید همان مختصات اساسی و قدیمی خود را حفظ کند النهایه اعمال و اجرای مجازات درباره هر یک از مجرمین باید با توجه به شخصیت و خصوصیات

فردی او صورت گیرد و برخلاف مکتب کلاسیک مخالف تقسیم مجازات به درجات مختلف بوده و عقیده دارند تمام مجرمین باید تحت مداوا قرار گیرند (صلاحی، ۱۳۸۶).

۹- جرم‌زدایی عملی و جزم‌زدایی رسمی

منظور از جرم‌زدایی، فرایند سلب صلاحیت نظام کیفری برای اعمال ضمانت اجراها به‌عنوان واکنشی نسبت به شکل خاصی از یک رفتار مجرمانه خاص است. این پروسه توسط مقام تقنینی - جرم‌زدایی رسمی - گاه توسط مقام قضایی - جرم‌زدایی عملی - محقق می‌شود.

۹-۱- جرم‌زدایی عملی

مقصود از جرم‌زدایی عملی پدیده تدریجی کاهش فعالیت‌های نظام عدالت کیفری در قبال اشکال خاصی از رفتار یا وضعیت‌های ویژه است. اگرچه تغییری در صلاحیت قانونی و رسمی صورت پذیرفته باشد. در واقع جرم‌زدایی عملی عدول از فرایند اصلی رسیدگی است که در هر دو سیستم مقتضی بودن و قانونی بودن تعقیب وجود دارد. (موسوی مجاب، ۱۳۸۵)

۹-۲- جرم‌زدایی رسمی (قانونی)

جرم‌زدایی تقنینی همان جرم‌زدایی رسمی است که در واقع تغییر در صلاحیت رسمی و قانونی این نظام صورت می‌گیرد.

۱۰- لزوم کاهش عناوین کیفری در حقوق ایران

امروزه بطلان نظریه کسانی که معتقد بودند برای امنیت و آرامش جامعه و نیز حفظ حقوق و آزادی‌های فردی تنها راه حل مسئله بزهکاری و مشکل بزهکاران برخورد کیفری محض با ایشان است بر کسی پوشیده نیست از همین رو نظام‌های کیفری مختلف معتقدند که در کنترل و مقابله با جرائم علاوه بر سرکوب‌گری و واکنش بعد از ارتکاب جرم بایستی زمینه‌های ارتکاب جرائم را شناخت و برای هر چه کم‌رنگ‌تر کردن اثرات آن و جلوگیری از بروز و پیدایش این زمینه‌ها به منظور کاهش جرائم کوشید، این هدفی است که جرم‌شناسی دنبال می‌کند. البته جرم‌زدایی و کاهش عناوین کیفری به صورت مطلق در مورد تمام جرائم و رفتارهای ممنوعه امکان‌پذیر نیست. مثلاً در کشور خودمان امکان جرم‌زدایی از برخی از جرائم نظیر قتل عمد، سرقت حدی و غیره به لحاظ مبانی شرعی آن و موافقت حکومت سیاسی با اجرای موازین شرعی امکان‌پذیر نیست ولی در جرائمی که از اهمیت کمتری برخوردار هستند عمده‌تاً جزء احکام اولیه و ثانویه هستند جرم‌زدایی به سهولت امکان‌پذیر است.

۱۱- انواع پیشگیری

پیشگیری به انواعی تقسیم می‌شود: که از آن جمله می‌توان پیشگیری وضعی، پیشگیری اجتماعی، زودرس یا رشد مدار را نام برد. (کاوه، ۱۳۹۱)

پیشگیری اولیه یا نخستین، پیشگیری ثانویه یا دومین، پیشگیری ثالث یا سومین، پیشگیری کوتاه مدت یا خرد، پیشگیری اجتماعی، پیشگیری رشد مدار یا زودرس، پیشگیری بلند مدت یا کلان، پیشگیری انفعالی، پیشگیری فعال، پیشگیری کنشی یا غیر کیفری، پیشگیری واکنشی یا کیفری، پیشگیری قضایی، پیشگیری انتظامی، پیشگیری عام، پیشگیری خاص

۱۱-۱- جایگاه پیشگیری در نظام حقوقی ایران

پیشگیری یک امر کنشی است که اصولاً قبل از وقوع بزه صورت می‌گیرد. این در حالی است که نظام کیفری ماهیتاً بعد از وقوع جرم مداخله می‌کند و جنبه واکنشی و سزاده دارد. پیشگیری از بزهکاری با تولد جرم‌شناسی شکل گرفت.

پیشگیری در ایران و جاهت قانونی دارد. خبرگان قانون اساسی و قانون‌گذار در کنار حقوق جزا، مبنای قانونی پیشگیری را، مطرح کرده‌اند. بند ۵ اصل ۱۵۶، قانون اساسی مؤید این ادعاست. در اصل ۱۵۶ قانون اساسی وظایف قوه قضائیه در چند بند، مورد عنایت مدونین قانون اساسی واقع شده است.

بند ۴ این اصل منبع محوری حقوق کیفری در کشور ماست. وظیفه قوه قضائیه، کشف جرم، تعقیب مجرمین و مجازات و تعزیر و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام است؛ اما بعد از این اصل در بند ۵ خبرگان قانون اساسی، اقدام مناسب برای پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین را به‌عنوان یک وظیفه دیگر پیش‌بینی کرده‌اند (طالشی، ۱۳۸۴).

لذا می‌توانیم بگوییم بند ۴ اصل ۱۵۶ ق.ا. مبنای حقوق کیفری و بند ۵ ماده ۱۵۶ قانون اساسی مبنای پیشگیری است. دو بند مذکور مبنای عام سیاست جنایی کشور ماست. بند ۴ یک سیاست کیفری است. حال ناگفته پیداست بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی پیشگیری جرم را به‌طور عام، اعم از کیفری و غیر کیفری مطرح ساخته است. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۷)

با توجه به مطالب پیش گفته، پیشگیری در کنار کیفر و جاهت قانونی دارد. حال با وجود قانونی بودن چنین امر مهمی، در کشور ما، پیشگیری هنوز عملی نشده است. با وجود پیشینه عملی اقدامات تأمینی و تربیتی و قانون اصلاح و تربیت در کشور ما از سال ۵۷، کانون اصلاح و تربیت فقط در تهران تشکیل شده و جایگاه اقدامات تأمینی و تربیتی به‌عنوان یک مقوله مهم پیشگیری در وقوع پدیده مجرمانه مورد عنایت واقع نشده است. شاید یکی از علل عدم گرایش دولت‌ها به اقدامات جرم‌شناسانه این است که نتایج حقوق کیفری در مقایسه با جرم‌شناسی، زود نمایان می‌شود.

تحلیل بیشتر پیشگیری در نظام حقوقی ایران؛ ما را به این نکته رهنمون می‌کند، از یک سو رویکرد قانون اساسی به جرم در پیشگیری یک رویکرد قضایی بوده است؛ چراکه متولی مبارزه با جرم و پیشگیری را در قوه قضاییه قرار داده است و از دگر سو قسمت اول بند ۵ اصل ۱۵۶ ق.ا. مبنی بر اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم، به دو شکل اجتماعی و وضعی متصور است.

در پیشگیری وضعی، هدف مداخله در اوضاع و احوال مشرف به وقوع بزه است تا معادله مجرم شدن را مختل کند و مداخله کردن در وضعیتی است که از بزه دیده واقع شدن جلوگیری می‌کند. در پیشگیری اجتماعی، تلاش در ایجاد تغییر یا تعدیل در وضعیت و شرایطی است که از وقوع بزه جلوگیری می‌شود.

قسمت دوم بند ۵ اصل ۱۵۶ ق.ا. قائل به «اصلاح مجرمین» است که این مهم بر دوش قوه قضاییه گذاشته شده است. قوه قضاییه با مدیریت صحیح امور از جمله زندان‌ها سعی در پیشگیری از تکرار جرم دارد. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۷)

اسلام نیز به مقوله پیشگیری عنایت و اهتمام زیادی کرده است به گونه‌ای که می‌توان گفت حدود ده درصد از آیات قرآن جنبه سزادهی و واکنشی دارد. نود درصد آیات جنبه آگاهی دادن و پیشگیری را دارد. از این رو قرآن قائل نیست ابتدا به ساکن مجازات کنید، بلکه قائل است آنگاه که تمام مساعی در جهت آگاهی به افراد به کار رفت و مؤثر واقع نگردید با شرایط متعدده می‌توانید مجازات کنید؛ بنابراین نگاه اسلام و قرآن نیز اساساً یک نگاه کنشی و پیشگیرانه است (محمودی، ۱۳۸۵).

۱۱-۲- نقش قوه مقننه در کاهش عناوین کیفری

در دنیای معاصر، قانون‌گذاران اراده خود را مصروف به وضع قوانین خشن و مجازات‌های کیفری نظیر حبس و شلاق و ... نمی‌کنند بلکه به خوبی واقف هستند که دوران این‌گونه تدابیر منقضی شده و قوه قانون‌گذاری باید مبادرت به وضع قوانین و مقرراتی بکند که علاوه بر خاصیت جرم زدایی با کرامت و منزلت و شأن انسان نیز مطابقت داشته باشد، امروزه تکرر عناوین مجرمانه تا مرز بی‌نهایت و غیرقابل اجرا و غیر مؤثر بودن برخی از آن‌ها، عدم تأمین منافع اجتماع با توسل به تدابیر کیفری، قانون‌گذاران را به اتخاذ شیوه‌های سبک‌تر و آسان‌تر رهنمون می‌سازد.

باری مدت‌هاست که از همه سو عده‌ای خواستار تسریع فرایند جرم زدایی هستند به ویژه از زمانی که قانون‌گذار در کشورهای مختلف از یک سو رفتار و کردارهایی را جرم تلقی می‌کند که حقیقتاً مغایر اخلاق نیست و از سوی دیگر این کار را طی روش شناخته شده‌ای که همه گونه «حساب‌خواهی» از افراد را میسر می‌سازد انجام می‌دهند به این معنی که نویسندگان یک متن قانونی پس از شمردن مقدار زیادی قواعد در خانمه آن اضافه می‌کنند که «هرگونه تخلف نسبت به مقرراتی که در پیش بیان شد به مجازات ... محکوم می‌گردد.» حتی جرم‌شناسان از جمله جرم‌شناسان مکتب تعامل‌گرای آمریکایی در این خصوص اتفاق نظر دارند، یادآوری کنیم که دسته اخیر بین انحراف اولیه و انحراف ثانویه تفکیک قائل می‌شوند و معتقدند که مورد اخیر به محض

اینکه جامعه از طریق انگ «مجرم» زدن به فرد و به‌طور خلاصه با ایجاد مجرمین ساختگی به بعضی از افراد دست می‌یابد تحقق پیدا می‌کند به این ترتیب لکه‌دار و بدنام کردن گسترش می‌یابد و بدین‌سان است که «نظریه برچسب‌زنی» و نیز «ضرورت جرم زدایی» به عقیده طرفداران این جریان تبیین می‌گردد». (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۷۳).

۱۱-۳- راهکارهای قوه قضائیه در راستای بهبود بخشیدن به مشکلات قوه قضائیه

قوه قضائیه در سال‌های اخیر با مشکلات فراوانی روبرو بوده که در همین راستا درصدد ارائه راهکارهایی برای بهبود بخشیدن به اوضاع برآمده تنظیم لایحه قضا زدایی نیز یکی از این راهکارهاست این تدابیر عبارت‌اند از:

۱۱-۴- اصلاح ساختار نظام قضائی کشور

اصلاح ساختار نظام قضائی جهت تضمین عدالت و تأمین حقوق فردی و اجتماعی همراه با سرعت و دقت از سیاست‌های قوه قضائیه است، چشم‌اندازهای سیاست فوق عبارت‌اند از: (محمدی، ۱۳۸۲)

- ۱) بهره‌مندی از سرعت، دقت و صحت در رسیدگی به پرونده‌ها؛
- ۲) بهره‌مندی از منابع انسانی مسئولیت‌پذیر آگاه و کارآمد؛
- ۳) بهره‌مندی از مشارکت مردم و نهادهای شبه قضائی برای رسیدگی به پرونده‌ها؛
- ۴) دستیابی به فناوری‌های نو، ویژه فناوری اطلاعات و ارتباطات؛
- ۵) بهره‌مندی از نظام نظارتی کارآمد و اثربخش بر اساس وظایف و اختیارات قانونی؛
- ۶) دسترسی همگانی به اطلاعات مربوط به عملکرد دادگاه‌ها و آراء قضائی؛

۱۲- بحث و نتیجه گیری

کاهش مجازات حبس یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های دستگاه قضایی است و اقدامات ارزشمندی در این خصوص صورت گرفته است.

امروزه بحث تراکم جمعیت کیفری زندان‌ها و تأثیرات مخرب ناشی از اجرای این مجازات، به یکی از تنش‌های جدی نظام‌های عدالت کیفری تبدیل شده است. با زندانی شدن مجرم، مجازات واقعی را همسر، فرزندان و بستگان نزدیک وی متحمل می‌شوند و این، با یکی از اصول حقوق اسلام، یعنی اصل شخصی بودن مجازات‌ها در تعارض است. از جمله اقدامات قوه قضائیه در زمینه حبس‌زدایی و کاهش جمعیت کیفری ایجاد نهادی به نام شورای حل اختلاف در نظام قضایی کشور است که وجود این شوراها موجب کاهش تراکم پرونده‌های موجود در دستگاه قضایی می‌شود. از کارکردهای مهم شوراهای حل اختلاف می‌توان کمک به تسریع در مختومه شدن پرونده‌ها از طریق صلح و سازش اشاره کرد.

قوانین کیفری کشور ما در دو سه دهه اخیر سخت متورم گشته است. مجموعه قوانین کیفری بی توجه به داده‌ها و یافته‌های وثیق جرم‌شناسی، بی‌رویه قطور شده است. امروزه جرم‌شناسی واکنش اجتماعی قائل به جرم‌زدایی حقوق کیفری بر پرتو فرایند برچسب‌زنی شده است. علاوه بر این تورم عناوین کیفری باعث وهن قانون می‌گردد. مضافاً اینکه ضمن تحدید حوزه آزاد رفتاری شهروندان و توسع بخشی به حوزه اقتدار و حاکمیت دولت در اقدامات مداخله جویانه باعث بی‌دقتی قانون‌گذاری در تدوین قانون مطابق اصول صحیح نگارشی شده است. بسیاری از جرم‌انگاری‌های صورت گرفته در نظام قانون‌گذاری کشور ما بی‌توجه به توالی فاسد اجتماعی آن تنصیب و تصویب شده است که قویاً به‌طور شگفت‌انگیزی باعث تورم جمعیت کیفری در زندان‌ها و تراکم پرونده‌ها در دادگستری شده است.

سوال اول تحقیق به نقش قوه مقننه در کاهش عناوین کیفری می‌پردازد. نتایج بررسی نشان داد که قوه مقننه می‌تواند با وضع و تصویب قوانین شفاف و صریح بر کاهش عناوین کیفری همت گذارد. بطوری که شفافیت قوانین، تفاسیر متعدد از جرم را بری می‌سازد. همچنین قوه مقننه می‌تواند مواد تکراری ذکر شده در فصل سوم را در قانون مجازات اسلامی را حذف نماید. همچنین ضروری است که قانون‌گذار رعایت اصول قانون‌نویسی و جرم‌انگاری در پناه اصل قانون بودن جرم و مجازات را مد نظر قرار دهد و همچنین تأثیر دادن زمان و مکان و الزامات بین‌المللی در امر قانون‌گذاری و کاهش سن مسئولیت کیفری را مورد لحاظ قرار دهد. سوال دوم تحقیق به نقش دستگاه قضایی در کاهش عناوین کیفری می‌پردازد. نتایج بررسی نشان داد که به دلیل جایگاه مهم امر پیشگیری در سالم‌سازی جامعه و امنیت آن و نیز ارتباط گسترده آن با سیاست‌های جنایی کشور قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران طبق بند ۵ از اصل ۱۵۶، یکی از وظایف قوه قضائیه را اقدام مناسب جهت پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمان قرار داده است. باوجود اینکه در اجرای این وظیفه گام‌های مثبتی برداشته شده است لکن بنا به دلایل مختلف این تکلیف به درستی اجرا نشده است. در قانون اساسی تنها به تعبیر «اقدام مناسب جهت پیشگیری از وقوع جرم» اکتفاء شده است بدون اینکه سازوکارها و ابزارهای «اقدام مناسب» پیش‌بینی شده باشد و قلمرو اختیارات و وظایف قوه قضائیه در این خصوص نیز احصاء و تعیین نشده است، لذا دایره و گستره «اقدام مناسب» باید تبیین شده تا امر پیشگیری نیز در چهارچوب قواعد این گستره به مرحله اجرا گذارده شود. البته در بحث پیشگیری و جرم‌زدایی از قوانین، اهتمام صرف قوه قضائیه وافی به مقصود نیست بلکه همکاری قوای دیگر را نیز می‌طلبد چراکه دولت یا نهادهای دیگر غیردولتی ممکن است سیاست‌هایی را دنبال کنند که جرم‌زا باشد لذا اعمال سیاست جنایی مشترک با همکاری تمام قوا ضروری به نظر می‌رسد. سالم‌سازی دستگاه قضایی از جمیع جوانب امر بسیار قوی و مؤثری است در امر کاهش نرخ جرائم، به‌طورکلی اقداماتی که در این خصوص به نظر می‌رسد که در تحقق سیاست جنایی مورد نظر مؤثر باشد عبارت‌اند از:

- ۱- اصلاح ساختاری تشکیلات قضایی ۲- تأمین استقلال تام قوه قضائیه ۳- تخصصی کردن دادگاه‌ها ۴-
- تدوین لوایح قانونی مناسب جهت طرح و تصویب در مجلس ۵- بازنگری و جرم‌زدایی از قوانین و عناوین مجرمانی ۶- تکمیل کادر قضایی واداری ۷- استخدام قضات متبحر و کارآمد ۸- تأمین و بهبود وضع رفاهی

و معیشتی قضاوت و کارکنان دستگاه قضایی ۹- جلوگیری از اعمال نفوذ عوامل سیاسی و اقتصادی در دستگاه قضایی ۱۰- آموزش و تربیت کادر قضایی واداری به علم روز ۱۱- رعایت اصل غیرقابل عزل بودن قاضی ۱۲- تأمین و تضمین حقوق اساسی و اجتماعی مردم ۱۳- نظارت و بازرسی مستمر بر روند امور ۱۴- احیاء و واگذاری امر تعقیب و تحقیق به پلیس تخصصی ۱۵- جلب مشارکت نهادهای مدنی در امر قضاوت (تأسیس داوری و قضاوت تحکیمی) ۱۶- قضا زدایی ۱۷- استفاده از فنآوری رایانه‌ای روز در سیستم قضایی ۱۸- اصلاح و بازپروری مجرمین زندانی.

سؤال سوم به بررسی علل و عوامل جرم انگاری متعدد تورم عناوین کیفری می پردازد نتایج نشان داد که علل و عوامل جرم انگاری متعدد تورم عناوین کیفری را در نظام کنونی می‌توان؛ اسلامی کردن نظام حقوقی، مراجع متعدد قانون گذاری، موج عظیم فناوری، عدم توجه به وجدان جمعی در راستای جرم انگاری و در جهت استفاده حربه‌ای از قانون کیفری و دیگر عوامل را نام برد. همچنین تنصیص قوانین در نظام حقوقی ایران توسط ۷ مرجع غیر صالح، به تورم مزبور دامن زده است. به جرئت می‌توان گفت به همان اندازه که در دیوان عالی کشور رأی وحدت رویه صادر می‌شود، به همان اندازه حکایت از فقر و تزلزل قوانین و کاستی‌های آن دارد.

اگر بپذیریم فرهنگ از طرفی در تعالی حقوق تأثیرگذار و بالعکس حقوق هم در تعالی فرهنگ مؤثر است، شاید بتوان گفت که در نقش اول یعنی زمانی که فرهنگ میتواند در تعالی حقوق مؤثر باشد، محورهای را برای این تأثیرگذاری تصور کنیم. برای مثال نقش آگاهی بخش فرهنگ که می‌تواند زمینه‌های مساعد جهت به قواعد و مقررات حقوقی را از بین ببرد، از اساس به عنوان ابزاری برای آگاهی بخشی یا یکی از منابع و مقدمه‌های واجب پیشگیری از جرم در جامعه مطرح شود. نقش دیگری که برای فرهنگ و تأثیر آن بر حوزه حقوقی می‌توان قائل شد نقش هنجارساز فرهنگ است. هنجارسازی جامعه از راه فرهنگ یکی از کارهایی است که می‌تواند به پیشگیری از وقوع جرم کمک کند. محور دیگری که فرهنگ میتواند در آن مؤثر باشد، نقش بسترساز فرهنگ است که فرهنگ میتواند به عنوان بستری مناسب به منظور توسعه هنجارهای حقوقی یا مسائل مربوط به پیشگیری مطرح شود. نقش نهادساز فرهنگ امری انکارناپذیر است. از بعد دیگر، نقش آسیب شناسانه فرهنگ نیز می‌تواند در برخورد با مسائل و معضلات اجتماعی زمینه‌های فرهنگی جرم به ما کمک کند. اگر با ابزار فرهنگ دست به آسیب شناسی اجتماعی بزنیم طبیعتاً می‌تواند به ما کمک کند تا برخی راهکارها را بشناسیم و در راستای پیشگیری از جرم استفاده کنیم.

سوال چهارم تحقیق به نقش فرهنگی بر کاهش عناوین کیفری حقوق جزای ایران می‌پردازد. در نهایت محوریت فرهنگ در پیشگیری از وقوع جرم مطرح می‌شود، یعنی ما می‌توانیم محور را به عنوان نقش پیشگیرانه فرهنگ تعریف کنیم، اگر در نگاهی کلی بپذیریم هدف حقوق صیانت از نظم جامعه و حفظ هنجارهای رسمی و عرفی پذیرفته شده مسلط بر جامعه است. از این رو دو اقدام را باید در دستور کار مباحث

حقوقی قرار دهیم. یکی ساماندهی امور جامعه از طریق هنجارها و دوم سزادهی هنجار شکنی هاست. به نظر می رسد پیشگیری از هنجار شکنی هایی که احیاناً مجرمان یا احیاناً منحرفانه است می تواند به وسیله الگوهای مختلفی اجرا شود. مهم ترین آنها می تواند از زاویه پیشگیری اجتماعی و یا از طریق پیشگیری وضعی از جرم باشد. مبنای پیشگیری اجتماعی همان رشد اجتماعی کنشگرانه جرم اعم از منحرفان و مجرمان هست. (پژوهشکده: مطالعات راهبردی فرهنگ)

منابع

- امیل دورکیم، تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقر برهام، ۱۳۶۹، ص ۹۳ / ص ۸۶
- علی نجفی توانا، جرم شناسی، خیام، ۱۳۷۷، ص ۱۴۲-۱۴۳ / ص ۲۰۲
- صمد حکمتی، فرید حسین یعقوبی، جعفر یحوی دیزج، یوسف محمدزاده؛ "رابطه بین عوامل اقتصادی و اجتماعی و آسیب های اجتماعی در کشورهای منتخب با رویکرد گشتاورهای تعمیم یافته" فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هجدهم، بهار ۹۷، شماره ۶
- سعید شاه جهان پور، "نقش فرهنگ در پیشگیری از جرم" فصلنامه علمی - حقوقی قانونی ار - دوره چهارم - زمستان ۱۳۹۶
- اردبیلی، محمد علی. (۱۳۸۶). حقوق جزای عمومی، جلد ۲، تهران، نشر میزان.
- حبیب زاده محمد جعفر. (۱۳۸۰). آسیب شناسی نظام عدالت کیفری ایران، مجله علوم اجتماعی و انسانی دادگاه شیراز، شماره ۲، دوره ۲۱، پیاپی ۴۱.
- شجاعی، علی. (۱۳۸۰). جرم شناسی نظری، (ترجمه)، تألیف جرج ولد؛ توماس برنارد؛ جفری اسنیپس، جلد ۱، تهران: چاپ لیلی.
- صلاحی، جاوید. (۱۳۸۶). کیفر شناسی و دیدگاه های جدید، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
- طالشی، روح الله. (۱۳۸۴). قانون اساسی، چاپ ۲، تهران: نشر گهر.
- ظفری، محمد رضا. (۱۳۸۷). مبانی عدالت جزایی در حقوق اسلامی، چاپ اول، تهران، انتشارات سپهر.
- علی آبادی، عبدالحسین. (۱۳۷۸). حقوق جنایی، جلد اول، تهران، انتشارات گیتی.
- کاوه، محمد. (۱۳۹۱). آسیب شناسی بیماری های اجتماعی، جلد ۱، تهران: نشر جامعه شناسان، چاپ اول.
- گسن، ریموند. (۱۳۷۱). بحران سیاست های جنایی در کشورهای غربی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۰.
- محمدی، داود. (۱۳۸۲). قوه قضائیه و پیشگیری از وقوع جرم، مجموعه مقالات همایش علمی - کاربردی
- محمودی، جواد. (۱۳۸۵). قضا زدائی و جرم زدائی از منظر قانون اساسی و حقوق اداری.

موسوی مجاب، سید درید. (۱۳۸۵). جرم شناسی (جزوه درسی) دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، مقطع کارشناسی.

مظلومان، رضا. (۱۳۵۶). جرم‌شناسی (کلیات)، دانشگاه تهران
نجفی ابراندآبادی، علی حسین؛ هاشم بیگی، حمید. (۱۳۷۷). دانشنامه جرم شناسی، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش.

نجفی ابراندآبادی، علی حسین. (۱۳۷۳). تاریخ اندیشه های کیفری (ترجمه)، چاپ اول، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

نوربها، رضا. (۱۳۸۶). زمینه حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان.

Investigating the need to reduce criminal titles in Iranian law and cultural factors effect

Malek Tarlani Moghanloo

Abstract

Criminal law of our country in the last three decades has been inflated hard. Criminal Code, regardless of the data and results Wathiq criminology, is unusually thick. So this thesis to evaluate the need to reduce criminal categories in Iranian law was designed. A qualitative study of descriptive-analytic study. The data collection tool library. Information analysis was performed for descriptive and analytical. The results showed that the legislature can enact laws provide clear and explicit efforts to reduce criminal categories. The results showed that the constitution only in terms of appropriate action to prevent crime is event is planned without appropriate mechanisms and tools and the scope of powers and duties of the judiciary in this regard has not been set Therefore, the circle and the extent of "appropriate action" should also explain to prevention within the scope of the rules to be implemented. Of course, in prevention and decriminalization of laws, attempt to explain the purpose of the judiciary but also requires collaboration with other forces. Generally, the results showed that inflation causes multiple criminalization of criminal law in the present system can be; the Islamic legal system, various legislative bodies, the huge wave of technology, lack of attention to the collective conscience and to criminalize for use trick in the criminal law and other factors named.

Keywords: Criminal titles, criminal inflation, cultural factors